

سیر تحولی محله و سرای محله از ابتدا تا کنون جهت تعاملات اجتماعی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۳

کد مقاله: ۱۰۳۰۱

طیبه قاسمپور^{۱*}، علی دهار^۲

چکیده

محله فرصتی است جهت دیدار و ایجاد روابط همسایگی در دل شهر؛ که فضایی باز برای اجتماع مردم و کم و بیش بناها و فضاهایی با کارکردی متناسب با معماری و سبک‌های مختص به آن منطقه ساخته می‌شود. پیرامون محله بناهایی قرار می‌گرفت که از نظر کارکردی و کالبدی وابسته و متعلق به محله بود. این مطالعات برگرفته از منابع علمی و کتابخانه‌ای و با تکیه بر نظرات اندیشمندان و صاحب‌نظران گردآوری گردیده؛ و روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی و تحلیل محتوا بوده که به عوامل و مؤلفه‌های موضوع تحقیق پرداخته شده است. هدف از این تحقیق درک محله با توجه به گسترده شدن شهرها و مشکلات شهرنشینی تا بستری جهت احساس تعلق و محلی جهت تعاملات اجتماعی جهت افراد باشد. با توجه به نتایج حاصله محله می‌تواند عاملی جهت ارتقای تعاملات اجتماعی با توجه به وسعت محله به وجود آورد و می‌تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم در اجتماع تأثیرگذار و موجب تعاملات اجتماعی در افراد گردد و در نهایت موجب پایداری اجتماعی جهت انتقال به آیندگان باشد.

واژگان کلیدی: معماری، محله، سرای محله، تعاملات اجتماعی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، خوزستان (نویسنده مسئول)
Tayebehghasempour57@Yahoo.com

۲- دکترای معماری، عضو هیات علمی، مربی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، خوزستان

۱- مقدمه

تعاملات اجتماعی به‌عنوان مهمترین مفهوم در خصوص ابعاد فرهنگی-اجتماعی مراکز محله شهری و متعاقب با آن توسعه سطح زندگی افراد جامعه اسلامی می‌باشد. در چالش‌های معماری و طراحی شهری این روزهای شهرها موضوع پرداختن به فضاهای تعاملی شهری به اصلی واجب بر طرح‌های آینده برای شهر اسلامی در نظر گرفته می‌شود. نقش طراحان در این بین دارای بالاترین سهم در غنا بخشیدن به این مفهوم می‌باشد. حفظ، بازسازی و خلق فضاهایی که بتواند درصد روابط اجتماعی را افزایش دهد و همینطور بتواند به موضوعی دست یابد به‌عنوان وحدت جامعه ایرانی اسلامی، در گرو پرداختن به معماری و شهرسازی با قاعده و احترام گذار نسبت به حقوق شهروندان جامعه در خصوص فضاهای شهری و مراکز محله شهری.

آنچه ضرورت پرداختن به موضوع خلق یا احیاء فضاهای شهری را دو چندان می‌نماید، در شرایطی نهفته است که امروزه جوامع مختلف و از جمله جامعه ایرانی، با آن دست به‌گریبان هستند. امروزه، عرصه‌های جمعی و فضاهای شهری یا از میان رفته اند و یا چهره از کف داده اند. اغتشاش در محیط شهری و شکل‌گیری فضاهای گمشده و بی‌هویت که فاقد عناصر ارتباطات اجتماعی انسان بایکدیگر و با محیط هستند، به امری عام تبدیل گشته است. امروزه شهروند نمی‌تواند به تفحص و تدبر در خود و محیط اطراف بپردازد و یا با دیگران در روابطی چهره به چهره قرار گیرد و نتیجه آن است که امروزه در فضاهای شهری از کنار هم می‌گذریم. بدون اینکه در تعامل و روابط چهره به چهره قرار گیریم و یا حتی از نظر فردی در برخورد با کالبد محیط و سیمای شهری به ارضاء حس‌های مطلوب انسانی دست یابیم. فضای شهری در تلاش برای رهایی از بی‌هویتی، عدم تعلق به فضا و مکان، کم‌رنگ شدن روابط اجتماعی انسانی، عدم احساس امنیت و است که سرشار بودن از حیات مدنی در آن اصل پایه است (حیبی، ۱۳۷۹).

اهمیت ایجاد زمینه‌های ارتقای تعاملات اجتماعی در افراد به مکان در اجتماع و در بین شهروندان باعث رغبت بیشتر آنان به مشارکت و همبستگی اجتماعی و متعاقباً به سلامت و امنیت اجتماعی خواهد شد. جهت ارتقای تعاملات اجتماعی که بتواند پاسخگوی نیازهای چندگانه در یک فضا باشد و بتواند در یک مکان چندین عملکرد را در کنار هم داشته باشد از ضرورت‌های تحقیق است. هدف از شناخت و گسترش محله و سرای محله در محل زندگی افراد، ایجاد فضای مناسب جهت برقراری تعاملات اجتماعی در سطح اجتماعی می‌باشد که شهروندان در آن با احساس تعلق به مکان نقش موثری در ایجاد مطلوبیت فضایی و ایجاد هویت در اجتماع بوجود آورند.

۲- پیشینه تحقیق

حیبی، سید محسن، ۱۳۹۷، از شار تا شهر: در این کتاب با بررسی تحولات دوره ی صفویه و روند شکل‌گیری شهر از مفهوم و سیمای کالبدی شهرهای اسلامی تصویری روشنی ارائه نموده است و در فصل‌های مختلف آن از روند شکل‌گیری و عوامل تأثیر گذار بر روند شکل‌گیری شهرهای مهم ایران در طی دوره‌های مختلف اسنادی به میان آورده است.

لینچ، کوین، سیمای شهر، ۱۳۹۵: با بررسی بخش‌های مختلف در شهرهای آمریکا داده‌هایی ارائه می‌نماید که طی آن برای رسیدن به شهرهای سزنده و با طراوت قوانینی وضع می‌کند. با رعایت اصول ارائه شده میتوان فضاهایی به مراتب خوانا تر، در دسترس تر، امن تر، پاک تر و در نهایت با سرزندگی بیشتری ارائه نمود.

نقره کار، عبدالحمید، ۱۳۹۰، مبانی نظری معماری: این کتاب مبانی نظری را در فلسفه هنر و معماری در دو حوزه ی حکمت نظری و حکمت عملی ارائه و تشریح نموده است. مبانی نظری غرب را از دیدگاه‌های مختلف بررسی نموده و در پایان با بررسی نگرش و جهان بینی معماران و طراحان متأثر از دیدگاه‌های مختلف تجلی شیوه‌های فکری متناقض و متضاد را در آثار خلق شده مورد سنجش قرار داده است.

موسوی، میر سعید، رضی منش سرخاب، بابک، ۱۳۹۱، بازشناسی مفهوم شهر و شهرنشینی از منابع و تعالیم دینی: دین اسلام به‌عنوان کاملترین دین اندیشه‌های فرامکانی و فرا زمانی در همه زمینه‌ها ارائه داده است که مبحث شهر از این قانده مستثنی نیست. در این مقاله با ارائه مستندات از کلام پیامبران الهی و قرآن کریم سعی در ترسیم جایگاه ویژه شهر به‌عنوان مکانی قدس و امن شده است.

نقی زاده، محمد، ۱۳۸۹، تأملی در چیستی شهر اسلامی: در این مقاله با استفاده از متون اصیل اسلامی و به ویژه قرآن کریم به تعریف "مبانی" و "الگو" و "صفات" و "اصول" شهر اسلامی پرداخته اند. که بارزترین ویژگی شهر اسلامی، جامعیت و جاودانگی و جهانی بودن، در عین معرفی الگوهای فیزیکی و کالبدی واحد و لایتغیر برای دوران‌ها و سرزمین‌های متفاوت می‌باشد.

فلامکی و زرگرانی (۱۳۹۴)، سازماندهی و طراحی معماری-شهری مرکز محله (نمونه موردی محله شارق منطقه ۷ تهران): اهمیت انجام پژوهش در این تحقیق براساس گفتار مدیریت ارشد تهران عملی نمودن برنامه‌هایی است که در قالب طرح‌های ناحیه محوری و محله محوری می‌باشد، شکل گرفته است از مهم‌ترین دغدغه‌های طراحان، معماران و شهرسازان ایجاد رابطه‌ای متناسب بین انسان و محیط اطرافشان است. برای رسیدن به این هدف باید به کوچکترین بخش در طرح تفصیلی شهر

یعنی محله اشاره کرد. در عصر جدید اکثریت افرادی که در مراکز شهری زندگی می کنند به طور غریزی فقدانی را در زندگی خود احساس می کنند زیرا شهر با انبوهی از مشکلات نظیر نبود فضای باز و... جلوه گر است. زندگی امروزی و پیامد آن آپارتمان نشینی، فرصت داشتن چنین فضایی به صورت خصوصی را از شهروندان سلب نموده است. مراکز محلات بهترین عرصه برای شکل گیری این روابط میباشند و فرصت گردهم آمدن و برقراری تعاملات را به کاربران می دهند. یکی از مسایل مهم عدم نیازسنجی و سازماندهی مناسب می باشد که منجر به بروز نارسایی هایی در زمینه مسایل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... می گردد. حتی اکثر معابر و فضای عمومی محلات کنونی که کانون تعاملات اجتماعی ساکنان محله در قدیم الایام بوده اند فقط نقش عبوری را ایفا می نمایند. کیفیت محلات می تواند به تأمین راحتی و آسایش، خوانایی، دسترسی، سرزندگی و حیات، تنوع، تجانس، شور و شادی، معنی، ایمنی و نگهداری دست یابد که به نوبه خود بالاترین نقش را در مدیریت یک شهر ایفا گر هستند.

۳- روش تحقیق

در این خصوص تحقیقات فراوان و پراکنده ای صورت گرفته که این مطالعات برگرفته از منابع علمی مطابق با نظرات اندیشمندان و صاحب نظران تهیه گردیده و روش تحقیق به صورت توصیفی- تحلیلی و تحلیل محتوا بوده و با استفاده از مطالعات کتابخانه ای به عوامل و مولفه های موضوع تحقیق پرداخته شده است. استفاده از کتاب های معماری و علمی پژوهشی مختلف و تحلیل مضمون آنها می تواند در به نتیجه رسیدن این موضوع تأثیر گذار باشد.

۴- سیر تحولی محله و سرای محله از ابتدا تا کنون

فضاهای شهری در ایران پیشینه ای به قدمت تقریبی شهرنشینی دارند. اما به علت در دست نبودن اسناد و منابع کافی، شناخت کامل ابعاد مختلف زندگی اجتماعی و از جمله فضاهای تعاملاتی همچون محله های شهری دوره باستان امکان پذیر نیست. اگرچه تاریخ سکونت در ایران به بیش از ده هزارسال می رسد " شیوه زیست شهری در ایران مبتنی بر هویت محله ای بوده است که این موضوع برهانی است بر نگاه افراد شهر ایرانی بر موضوع تعاملات در فضاهای شهری از دیرباز تا کنون همزمان با تحول و دگرگونی در شکل و ماهیت شهرنشینی، فضاهای تعاملی شهری نیز که همچون سلول های رابط شهری تشکیل دهنده شهر بودند، متحول گردیده و شکل جدیدی به خود گرفتند. این تحولات هم در کالبد محالت و فضاهای تعامل شهری و هم در روابط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بطور کلی در همه مناسبات ساکنان شهر انعکاس یافته است. فضاهای تعاملی شهر امروزی به گونه ای متحول شده است که نه عناصر سازنده آنها همچون مراکز محالت جمعی، شبکه های ارتباطی و دسترسی ها، میدان ها، مسکن و تأسیسات شهری، ساختار و عملکرد قبلی خود را دارند و نه افراد شهر در قالب همان چارچوب های سنتی با دیگر همشهری های خود ارتباط برقرار می کنند. ضعف در برقراری ارتباط بین افراد یک شهر پیامدهایی را با خود دنبال دارد که بیشتر آسیب زنده بر بنیان های توسعه ای شهر و در نتیجه کشور خواهد بود.

۴-۱- محله

در هر یک از محله های بزرگ و متوسط شهرهای تاریخی، یک مرکز محله وجود داشت. این مراکز از نظر کالبدی و شکل به دو صورت وجود داشتند. نخست به صورت یک راسته یا گذر که کمی از گذرهای دیگر در محل استقرار فضاهای تجاری و اجتماعی عریض تر بودند. نوع دوم مرکز محله به صورت میدانیچه بوده؛ این میدانیچه ها اغلب در محل تقاطع چند راه یا در کنار راه اصلی محله قرار داشتند و در پیرامون برخی از آنها تعدادی دکان برای عرضه کالاهای ضروری روزانه و هفتگی اهالی محله قرار داشت. همچنین مسجد، حمام، آب انبار و بعضی دیگر از فضاهای عمومی محله در کنار همین میدان ساخته می شد (پیرنیا، ۱۳۸۷). محله رکنی است بین خانواده و شهر که از خانه های مجاور هم در یک فضای جغرافیایی خاص تشکیل می شود و خانواده نسبت به محله مسکونی خود احساسی مشابه خانه مسکونی خود را دارد و با ورود به محله، خود را در یک محیط آشنا و خودی مثل خانه می بیند. مفهوم محله به عنوان واحد پایه و اولیه سازمان، کالبدی از فضای ساختاری شهر است. این واحد از تجمع پیوستگی کم یا زیاد، معاشرت نزدیک، روابط محکم همسایگی و اتحاد رسمی میان گروهی از مردم بوجود می آید. اغلب در محله های شهری کیفیت واحد فیزیکی منطبق با رفتارهای اجتماعی بوده و از این رو هر محله واحد مشخصاتی جدا از سایر محله های شهری دارد.

خردترین واحد در نظام برنامه ریزی شهری را که کانون کنش و واکنش های اجتماعی است، با توجه به تجارب گذشته و در قسمت هایی از جهان پیشرفته می توان در قالب محله و بر پایه واحد اجتماع محلی ارزیابی کرد (عبداللهی و همکاران، ۱۳۸۹). مفهوم اجتماع محلی یا باهمستان، در مقابل مفهوم واحد همسایگی که بر ابعاد کالبدی و هندسی خشک و بی روح تأکید دارد. اجتماع محلی انطباق بیشتری با شرایط پیچیده زندگی شهری دارد. جان فرید من معتقد است که با تأکید بر برنامه ریزی محلی است که می توان به برنامه ریزی غیر متمرکز رسید. در اجتماع محلی تضاد میان افراد و بین انسان و طبیعت کمتر است. اجتماع

محلی از جهات گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی بستر مساعدی برای توسعه پایدار است، محله را می توان به عنوان واحد پایه و محور برنامه ریزی مشارکتی در عرصه همگانی در شهرها قلمداد کرد (عبداللهی و همکاران، ۱۳۸۹).

از مضامین مشترک در تعریف محله، دارا بودن مرز و محدوده مشخص، همبستگی و روابط متقابل میان ساکنان، هویت جمعی و اشتراک اهداف، یکپارچگی فضا و فعالیت، خودکفایی نسبی و جمعیت متناسب بوده است. بر مبنای ویژگی ها و معیارهای مورد انتظار، مفاهیم جمعیتی، زیرساختی، سیاسی، اجتماعی و محیطی به عنوان اصول پایه در تعریف محله محسوب می شود. در حال حاضر اصول رسمی و قراردادی در تعریف و تعیین حدود محله نقش تعیین کننده ای دارند. در مجموع در مفهوم شناسی محله، محدوده فضایی یکپارچه، وجود مرزهای کالبدی مبتنی بر ادراک ذهنی ویا نشانه عینی، حس تعلق مکانی و همبستگی اجتماعی، امکان شناخت رو در رو و وجود تسهیلات و خدمات محلی از جمله نکات حائز اهمیت هستند (عبداللهی و همکاران، ۱۳۸۹).

محصول پیچیده ای که محله نامیده می شود، شامل ویژگی های ساختاری، زیر ساختی، جمعیتی، وضعیت طبقات جمعیت ساکن، خدمات عمومی، محیطی، دسترسی و مجاورت، سیاسی، اجتماعی و حسی است. مجموعه عناصر پیش گفته بعضا قضایی و روابط محله ای را تشکیل می دهند (ریبیعی نژاد و ارغان، ۱۳۹۶). محله به عنوان ناحیه شهری دارای دسته ای متنوع از انواع ساختمان ها و فضاهای باز عمومی، با گوناگونی فعالیت های انسانی در آن تعریف می کند. ریچل وارن و داندل وارن بر اساس مطالعات انجام شده معتقدند: "که محله شش نوع عملکرد را برعهده دارد که عبارت اند از: فرصت جامعه پذیری، اعمال تأثیر میان فردی به واسطه عقاید مشترک و وجود رهبران غیر رسمی، وظایف همسایگی و بسترسازی انجام فعالیت های جمعی به مفهوم فراهم کردن محیط مناسب برای سامان دادن به ملاقات های عمومی" (Williams, 1985).

محله اغلب مکانی برای کار و محدود ه ای برای زندگی تلقی می شود. این مکان دارای تسهیلاتی نظیر کلینیک های پزشکی، مدارس، پارک، مراکز تفریحی و نظایر اینهاست. محله مکانی برای اجتماعی شدن است و کمک های متقابل را حایت می کند. محله مکانی است ه تحرک را می توان به واسطه وجود فالیتهای اقتصادی و اجتماعی مانند ملاقات دوستانه و خرید مایحتاج روزانه از آن فراگرفت. محیط مصنوع و سازمان اجتماعی آن می تواند خانوادگی و بسیار نزدیک به هم شود و این محیط می تواند هویت و تعلق خاطر را تقویت کند. بنابراین محله می تواند انعکاسی از خودش، ارزشهای درونی و شرایط اقتصادی، اجتماعی و محیطی باشد (kearns, Parkinson, 2001). محله محدوده یکپارچه فضایی از شهر با مرزهایی کالبدی بنا بر درک ذهنی و یا نشانه عینی برای ساکنانی که تعلق مکانی و همبستگی اجتماعی را در آن احساس کنند. تعیین کننده مقیاس انی محدوده، امکان شناخت رودرو و پاسخگویی به نیازهای روزمره در حد پیاده روی است.

در مطالعه و شناخت محله باید به چهار عامل توجه داشت:

الف) مرزهای کالبدی و نمادین

ب) پیوندهای اجتماعی

پ) تسهیلات و خدمات محلی

ت) هویت و احساس تعلق نسبت به مکان زندگی (عبداللهی، ۱۳۸۹).

۲-۴- محله از دیروز تا امروز

از گذشته های دور محله های شهرها در شکل دهی و سازمان دهی امور شهری جایگاه ویژه داشتند. هر محله با ارایه خدمات روزمره مورد نیاز خود و با ایجاد نمادهای محله ای و ویژگیهای خاص موجب می شد ساکنان آن نوعی احساس تعلق و نوعی هویت داشته باشند تا جایی که هر شهروند با نام محله ای که در آن می زیسته، شناخته می شد. فضاهای شهری نیز نقش بسیار مهمی در زندگی فردی، خانوادگی، محلی و شهری مردم داشت و بسیاری از فعالیتهای عمومی، جمعی و گروهی در آنها جریان می یافت. به این ترتیب بخشی از فعالیتهای اجتماعی، گذران اوقات فراغت و تبادل اطلاعات و تجربیات از طریق تماس های چهره به چهره صورت می پذیرفت. این فضاهای شهری (اعم از گوجه ها، خیابانها، دروازه ها و ...) بستر شکل گیری خاطره بوده است. فضاهای شهری با فعالیتهای درونی آن تعریف می شود و همین فعالیت ها و روابط مابین انسان ها، تصاویر ذهنی و از سوی دیگر خاطره شهری را سبب می گردد. در گذشته به علت نزدیک بودن فضاهای کار و زندگی تفریح و گذران اوقات فراغت به صورت جمعی، ساکنین یک محله به یکدیگر احساس خویشاوندی و به محله خود احساس تعلق داشتند و این به دلیل داشتن خاطرات مشترک در یک محله بوده است (سلطان زاده، ۱۳۸۱).

۳-۴- محله در ایران قدیم

به طور کلی باید گفت زیست شهری ایرانیان درسه لایه متقاطع صورت میگیرد. خانه مسکونی، محله شهری، شهر یافته ها، آموزه ها و تجربه های علمی نشان میدهد، استوارترین و پرشورترین فضای زیستی شهروندان، محله ها می باشند. چراکه بررسی نشان میدهد انسان ایران بیش از آنکه درگستره خانه یا بازار و پهنه فراگیر شهر حضور داشته باشد، در محله خودحضور وعینیت داشته است.

پیش از این جمعیت محله‌ها از کسانی تشکیل میشد که از جهت شغل یا اعتقادات دینی و یا سابقه قومی بسیار به یکدیگر شبیه بودند و به اصطلاح به فرهنگ مشترکی خو گرفته واز هنجارهای آن پیروی میکردند. ویژگی‌های مهم و مثبت محله داشتن نوعی روح جمعی بود که مظاهر آن وحدت و پیوستگی افراد به یکدیگر و احساس یگانگی و نیز آمادگی برای مساعدت و همکاری در راه حفظ شعار محله و بهبود اوضاع آن بود.

محلات در گذشته صرف نظر از حجم و وسعت محله، حدود عرفی خاصی داشتند که برای ساکنان آن مشخص و قابل شناسایی بوده است و هویت اکثر افراد با محلات شناخته‌شده و اهالی آن نسبت به محله و متعلقات آن تعصب داشته‌اند. در محله‌های قدیمی، به ویژه محله‌های طبقه کم درآمد ارتباط همسایگان با حس تعاون و همیاری بیشتر بوده و ارتباط در چنین محله‌هایی از طریق مراکز مذهبی، باشگاه‌های ورزشی، قهوه‌خانه‌ها و کوچه‌ها صورت می‌گیرد. شالوده سازماندهی کالبدی-اجتماعی در شهرهای قدیم به نظام محله‌بندی و سلسله مراتب تقسیمات آن بازار و مرکز، شهر، محله، کوی و... استوار بوده، که هم به روابط اجتماعی و اقتصادی شهر و هم به روابط اداری و خدماتی شهر، سازمان می‌داده است.

پس از بررسی مفهوم معناداری محلات قدیم ایران برگرفته از تئوری کوین لینچ وی معتقد است " که مکان‌ها رویدادهایی که در سطح این مکان‌ها رخ میدهند دارای معانی زیاد و باکم هستند. فعالیت‌ها و مراسمی که در یک محل اتفاق می‌افتد تا حدودی که خودشان به صورت روشن و منسجم درک شوند به ادراک آن محل کمک میکنند. شکل یک محل و آشنایی ما با یک مکان ترکیب جالبیست برای این منظور که مکانی که در آن هستیم برای ما سطح معنی داری متفاوتی با مکان‌های دیگر دارد." این اهمیت درک و معنی داری متفاوت مکان‌هاست که آنها را از یکدیگر متمایز میکند. ازدیدگاه لینچ ادغام " شکل و آشنایی با یک مکان، همین که فرد بتواند مکان‌ها را از یکدیگر باز شناسد، ناشی از هویت مکان‌هاست." چیزی که رویدادها را دارای اهمیت می‌کند، مناسب‌های خاصی چون جشن‌ها و سوگواری‌هاست که در شهر و محلات آنها را تجربه می‌کنیم. آنچه که در محلات قدیم ایران نمود چنین هویتی است برگزاری مراسم‌های مذهبی در بین اقوامی است که هریک خاستگاه جداگانه‌ای داشته و در محلات مختلفی زندگی میکنند. روح این مراسمات در کالبدی چون میدان و میدانچه و گذر و تکایا و حسینیه‌ها تبلور می‌یابد. هویت این مکان‌ها و فعالیت‌ها، تصویری در ذهن شهروندان پدید می‌آورد که بخشی از معنای شهر را تفهیم می‌کند. جزء دیگری که معنای مکان را غنا می‌بخشد، وضوح ادراک مکان، فعالیت‌ها و حتی زمان است. شاید بتوان شفافیت را تنها عاملی دانست که در محلات ایرانی از وضوح پایینی برخوردار است. این نبود بی‌واسطگی به لحاظ حریمیت در کالبد شهری و حتی معماری خانه‌ها به شکل اندرونی و بیرونی حکایت از نبود شفافیت دارد که جزء ساده‌ای از معناداری مکان است. به طوری که خانه‌ها پنجره‌ای به معبر عمومی نداشته و غریبه‌ها حق ورود به کوچه‌های بن بست و هشتی‌ها را ندارد و این خصوصیتی است که در فرهنگ ایرانی پیوسته نمود بارز داشته است. در ارتباط با خصوصیات مکان فضایی سنتی، این فضا کاملاً زیر سلطه و وابسته به مکان بود. از این رو فضای سنتی با قلمرو مکانی انطباق داشت و با علائم و نشانه‌های مکان پر می‌شد. اعمال و کردارهایی هم که این فضا را پرمی‌کردند، جلگی مکان مند بودند. این فضا، فضایی محدود بود برای زندگی کردن در چارچوب آن، نه برای حرکت کردن در گستره آن (پاکزاد، ۱۳۶۹).

در عصر ارتباطات و جهانی شدن، روند گسست فضا و مکان نیز شتاب بیشتری گرفت و رشته‌های پیوند زنده فضای اجتماعی یا مکان را پاره کرد؛ بدین ترتیب امر اجتماعی از دایره تنگ و محدود مکان رها شده، در فضایی بسیار فراخ گسترش یافت. در پی این فرآیند، رابطه میان مکان‌های زندگی افراد با هویت‌های آنان دگرگون شد (سرمست، ۱۳۸۹). در جامعه امروز شهری، برای دستیابی به توسعه پایدار شهر، محلات بنیادی‌ترین عناصر شهری و حلقه واسط بین شهر و شهروندان می‌باشند. با تحولات سیاسی و دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی و پدیده مهاجرت و به وجود آمدن شهرهای بزرگ و نفوذپذیری فرهنگ غربی و محله رفته رفته ساختار و کارکردهای دیرینه خود را از دست داد و به منطقه یعنی واحدی که دولت برای اجرای برنامه‌های خود بر ساخته است تبدیل شد.

در چنین جمعی افراد با داشتن فرهنگ‌ها و عادات و آداب گوناگون و... بر حسب اتفاق در کنار یکدیگر سکنی گزیده و خود را در برابر دولت طلبکار میدیدند و به جای آنکه خود را در امور سهیم بدانند از دولت می‌خواهند تمام مشکلات را حل کند. اما در محله‌های مختص سکونت طبقه پردرآمد، روابط همسایگان تضعیف شده و کمتر به آن احساس نیاز می‌شود. در محله‌های قدیم عمده زمان ساکنان محل، در کوچه و خیابان می‌گذرد و برای ساکنان آن محیط محله بیش از فضای داخلی خانه رضایت بخش بوده است ولی امروزه خیلی از ساکنان در چارچوب خانه خود محصور شده و دیگر از آن محله‌های قدیمی خبری نیست. رشد شهرنشینی و تمایل جمعیت‌های انسانی به محیط‌های شهری بستر با اهمیت شدن مفهوم کیفیت زندگی شهری را بیش از پیش فراهم ساخته است.

مدرن‌نیم در ایران از آغاز سال‌های ۱۳۰۰ خورشیدی با تصویب قانون شهرداری و قانون توسعه معابر پیکره‌بافت‌های محلات مسکونی شهرسازی کهن ایران را شکافته و با سرعتی روز افزون الگوهای واحد همسایگی برگرفته از شهرسازی غربی را جایگزین محلات ایرانی میکند. روندی که با خیابانهای چلیپایی آغاز و در طی چند دهه بدون توجه به پیشینه شهرسازی ایران وزیر ساخت‌های اجتماعی به طرح‌های جامع و تفصیلی بی‌روح در سطح انبوه می‌رسد. این در حالی است که از نظر اوزنه با از بین رفتن مکان‌ها،

اندر کنش های گفتگو مدار، جای خود را به نشان های خاموش می دهند. در این میان رابطه میان مکان و هویت و تعلقات اجتماعی تحول و نه قطع به واسطه از بین رفتن مکان رخ می دهد. (سرمست، ۱۳۸۹).

۴-۴- مقایسه محله قدیمی و معاصر

هویت محله های قدیمی شهر را نمیتوان آن طور که باید در محله های جدید دید، شهر گسترش یافته و فرهنگهای گوناگون ناشی از قومیت های مختلف در کنار هم زندگی میکنند. مقایسه شهرهای گذشته با امروز نشان میدهد که شهرهای گذشته دارای ساختمان بسامان بوده و هویت محله ای را تقویت میکردند. اما شهرهای جدید ابتدا ساختار شهر را با شهرک های مسکونی، برج ها و آپارتمان ها که جمعیت را از اقصی نقاط ایران در آن ساکن کرده است، تعریف می کند. همین موضوع باعث از بین رفتن محلاتی که شهروندان در آن احساس امنیت و آرامش می کردند، شده است. اگر محیطی به تغییرات زیادی دچار گردد، قاعدتا برخی نسبت به هنجارهایی که در آن محیط از آن پیروی میکردند، احساس پابندی نکرده و هرج و مرج و آشفتگی رخ می دهد. محله های امروزی درگیرودار تحولات و تغییرات که نهایتا منجر به از دست رفتن هویت آنها شده و در نتیجه کاهش تعلقات فرهنگی- اجتماعی شهروندان را منجر شده است.

۵- سرای محله

به منظور تقویت هویت شهر، کارشناسان توصیه کردند که تفکیک شهر به واحد های کوچک یا همان محله و توسعه امر محله محوری می تواند به احیای فرهنگ محله ای کمک کند. مجموعه سرای محله، بر اساس ضوابط محله ای می تواند مشارکت مردم در امور فرهنگی و اجتماعی را به همراه داشته باشد. هدف از راه اندازی سرای محله، مشارکت شهروندان در امور مربوط به خودشان و در نهایت و گذاری تصمیمات محله به خود آنهاست. پاسخگویی به نیازهای اجتماعی انسان و تامین فرصت های لازم در زمینه کسب تجارت اجتماعی وی، مستلزم وجود قرارگاه فضای کالبدی است و فضای عمومی ظرفیتی عظیم در پاسخ به این جنبه از حیات انسان در جوامع شهری محسوب می شود (چرخچیان و دانشپور، ۱۳۸۶). در سرای محله فضای شهری حیطه ای کالبدی یافته است و به عنوان صحنه کنش متقابل که دارای مرزهای معینی است، امکان تمرکز کنش های اجتماعی متعامل را به هر شیوه ای میسر می سازد. بنابراین کنش متقابل انسانی در درون فضایی رخ می دهد که به طور کالبدی و اجتماعی تعریف شده باشد.

۵-۱- سرای محله در ایران قدیم

علیرغم سابقه طولانی احداث سرای محله در دنیا، پرداختن به این مهم در کشور ما تا کنون در مرحله طرح و مسابقات معماری باقی مانده است. جدی ترین اقدام صورت گرفته در این زمینه تالار شهر تهران بود که در سال ۱۳۶۵ به مسابقه گذاشته شد و در نهایت طرح کنزوتانگه، معمار ژاپنی برنده شد. اما این طرح هرگز به مرحله اجرا نرسید این در حالی است که کشور ما از نظر داشتن فضاهای عمومی از پیشینه ای غنی برخوردار است. به طوری که بازارها و میدان ها در گذشته فضاهای مهم و ارتباطی، اجتماعی و اقتصادی شهر بودند و در مقیاس های گوناگون همواره محلی برای تجمع مردمی و استقرار انواع فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ورزشی به شمار می رفتند. سرای محله موضوعی است که در دیگر کشورها بیش از یک قرن است پاسخ مناسبی برای آن یافته اند. این بناها بایستی به عنوان نمادهای شهری از معماری جدید و در عین حال با هویتی برخوردار بوده و ضمن برقراری ارتباط مناسب با بستر تاریخی و فرهنگی شهر ایرانی، توانایی پاسخگویی به نیازهای انسان امروزی را نیز داشته باشند.

۵-۲- سرای محله در ایران معاصر

فضاهای عمومی شهری امروزه، جایگاه با اهمیتی در برنامه های توسعه شهری یافته اند. این امر ناشی از تاثیر این فضاها در تقویت وجهه فرهنگی- اجتماعی شهر و در نتیجه تولید سرمایه های اجتماعی است. از آنجا که ساکنان شهرهای در استفاده از این فضاها حقوق برابر دارند، لذا ایجاد فضاهایی مناسب و مطلوب برای تمامی گروه های سنی و جنسی و به ویژه گروه های آسیب پذیر نظیر کودکان، زنان، سالمخوردگان و ناتوان جسمی، حرکتی بخشی از وظایف برنامه های توسعه شهری فلوداد می شوند. مطالعات گسترده جهانی نشان می دهد ایجاد چنین فضاهایی در شهر جدای از ایجاد کنش اجتماعی، از حاشیه نشین شدن گروه های خاص در استفاده از فضاهای عمومی شهر کاسته و زمینه را جهت تعاملات اجتماعی و باز تولید فرهنگ اجتماعی شهر فراهم خواهد کرد (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۷). فضاهای عمومی، مکانی برای ظهور و بروز زندگی شهری و فضاهایی برای انواع فعالیت ها هستند. یکی از اهداف مهم طراحی فضاهای شهری، بهبود کیفیت استفاده از فضاها برای استفاده کنندگان از طریق تجهیز محیطهای شهری است که فضای مناسبی برای تمام گروه های سنی، شغلی و گروه ها جنسیتی فراهم می آورد (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۷).

۵-۳- سرای محله در خارج از ایران - دوران کهن

بررسی تاریخی شهرهای مغرب زمین نیز شاهدهی برنقش اجتماعی و تعاملی این فضاهای باز شهری است که در زندگی جمعی شهروندان ایفا می کند. از دوران یونان باستان تا قرن بیستم، شهروند اروپایی مهم ترین و مردمی ترین رویدادهای جمعی خود را در میدان برگزار می کرد. واژه یونانی آگورا و رومی فروم به معنای تجمع شهروندان بود. پلاژها و انواع فضاهای مشابه در میان اقوام اروپایی، خواه انگلیسی، آلمانی یا فرانسوی و مانند اینها قلب تپنده شهر و محل گردهمایی و تعامل اجتماعی بود (پاکزاد، ۱۳۸۳، صص ۹-۱۰). فضای عمومی شهری در طول تاریخ بشر از یونان باستان همواره عرصه اجرای کارکردهای اجتماعی و پویای های نهادین جامعه بوده و بسیار از فعالیت های وابسته به نهادهای عرصه خصوصی مانند خانواده نیز به عرصه عمومی و فضای شهری سپرده شده است (رفیعیان، ۱۳۸۸).

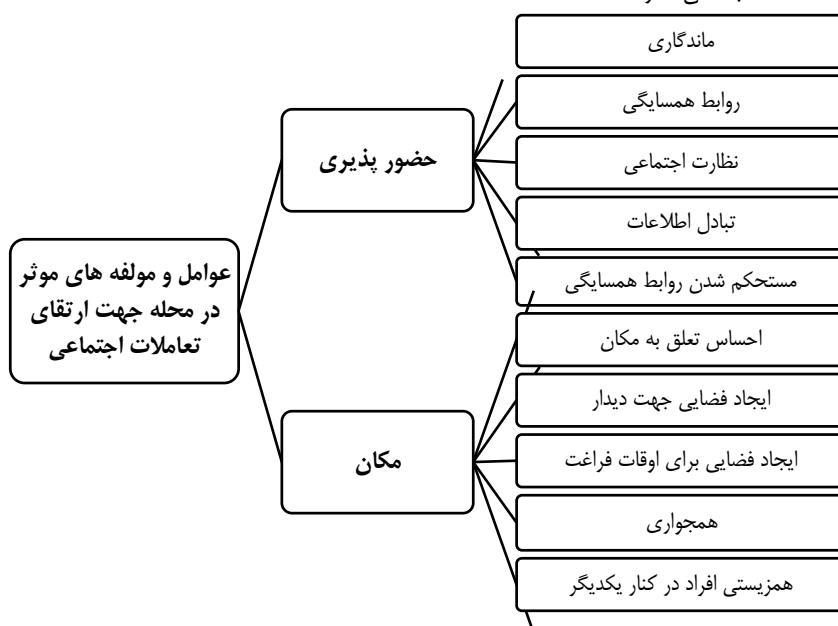
۵-۴- سرای محله در خارج از ایران - دوران معاصر

سرای محله (تالار شهر) در تمام دنیا به عنوان یکی از مردم مدارترین ساختمان های عمومی شهر، از شان و منزلتی والا برخوردار است، مکانی برای انجام کلیه امور اجتماع شهراست؛ در درجه نخست فضایی برای استقرار یکی از مردم سالارترین نهادهای شهری یعنی انجمن ها و شورای شهر و سپس مرکزی برای گردهم آیی عمومی و ارتباط و تعامل میان مردم در عرصه شهر است. نقش این فضا در اکثر شهرهای دنیا گردهم آوری شهروندان و ترغیب آنها به همکاری بایکدیگر و مشارکت در امور شهر است. به همین بایستی به شهروندان و فعالیت های جمعی تعلق داشته باشد.

۶- عوامل و مؤلفه های موثر در فرآیند اجتماع پذیری در محله های شهری جهت ارتقای

تعاملات اجتماعی

انسان از طریق روابط اجتماعی- فرهنگی به فضا، فرم و عملکرد و اهمیت می بخشد و سازماندهی فضا به نوبه خود به تغییر شکل این روابط می انجامد. بنابراین ساخت و طراحی فضاهای شهری به پروسه زندگی اجتماعی تأثیر می گذارد و می بایست از نظر جسمی و روانی برای شهروندان کارآیی داشته باشد (سیفایی، ۱۳۸۴)؛ یک شهر خوب، باید کلیه نیازهای ساکنین خود را تامین کند، دارای ایمنی، امنیت و حفاظت بوده، از نظر بصری و عملکردی محیطی سامان یافته و با نظم باشد. در حالی که به مردم فرصت خلاق بودن، شکل دادن به فضای شخصی و بیان خودشان را می دهد باید هدایت کننده بوده و حس مکان را تقویت نماید (سیفایی، ۱۳۸۴). بنابراین محیط کالبدی مناسب و شایسته برای انسجام اجتماعی و رفاه شخصی و استقلال فردی نیازهای اساسی است. بنابراین ناخود آگاه حافظ سلامت و پایداری آن بوده، در نگه داری و بهبود وضعیت موجود مشارکت و هماهنگی خواهد داشت، همچنین تعاملات اجتماعی، بهره وری معماری فرهنگی را به حداکثر می رساند. در نمودار (۱) به بیان عوامل موثر در محله جهت تعاملات اجتماعی اشاره شده است.



نمودار ۱- عوامل و مؤلفه های موثر در محله جهت تعاملات اجتماعی (منبع: نگارنده)

۷- نتیجه گیری

محله و کارکردهای آن موجب گردیده که عوامل و عناصر متنوع جلوه گری نماید و در زندگی افراد بخصوص ایرانیان از جایگاه و اهمیت ویژه ای برخوردار باشد. محله باعث گردیده تا در پیوند های اجتماعی و روابط همسایگی موجب پایداری اجتماعی و مجموعه نظارت های اجتماعی از طریق یکدیگر رخ دهد. مواردی را که در این پژوهش در قالب محله به آن پرداخته شد، هر کدام در معماری به نحوی مشخص کننده ی نقش پر رنگ محله در ایجاد محیطی مطلوب و موثر جهت روابط اجتماعی و ارتقای تعاملات اجتماعی می باشد. با توجه به نتایج حاصله محله می تواند عاملی جهت ارتقای تعاملات اجتماعی با توجه به وسعت محله بوجود آورد و پایداری اجتماعی نقش بسزایی در انتقال به آینده گان دارد. محله با وجود کارکرد خود می تواند به صورت مستقیم و غیر مستقیم در اجتماع تاثیر و افراد محله تاثیرگذار باشد؛ برای ارتقای تعاملات اجتماعی در فضاهای محله باید هم به عملکرد و هم به کالبد فضا در طراحی توجه نمود تا فرد با قرار گیری در مکان احساس خود را بروز دهد. با یک بررسی کلی، محله می تواند نمادی از حس تعلق به مکان در شهر در آید که مجموعه افراد و جامعه به مکان دلبسته و احساس تعلق به مکان در آنها پدیدار گردد.

منابع

۱. سیفایی، مهسا (۱۳۸۴)، مطلوبیت سنجی استفاده از فضاهای عمومی با تاکید بر برنامه ریزی مشارکتی، پایان نامه کارشناسی ارشد شهر سازی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۲. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۳)، گره، میدان، فلکه، بررسی معنا شناختی سه واژه در شهر سازی، شهرداریها (ضمیمه میدان و فضاهای شهری)، شماره ۶۷.
۳. رفیعیان، مجتبی، احمدوند، یزدان، رضا زاده، راضیه (۱۳۸۷)، سنجش شاخص های مؤثر بر مطلوبیت فضاهای عمومی شهری از منظر گروه های خاص اجتماعی (زنان) (مورد پژوهی میدان نوبت تهران)، نشریه نامه معماری و شهرسازی دوره ۱، شماره ۱.
۴. چرخچیان، مریم، دانشپور، عبدالهادی (۱۳۸۶)، فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی، مجله باغ نظر، شماره ۷.
۵. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۶۹)، واحد همسایگی، نشریه صفا، شماره اول، سال اول.
۶. سلطان زاده، حسین (۱۳۸۱)، از خانه تا آپارتمان، فصلنامه معماری و فرهنگ، سال هفتم، شماره ۲۳.
۷. ربیعی نژاد، تحسین، ارغان، عباس (۱۳۹۴)، نقش سرا محله ها بر افزایش حس تعلق به محله (مطالعه موردی: ناحیه یک منطقه ۱۴ تهران)، اولین همایش بین المللی و سومین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی، اردیبهشت ۱۳، تهران، دانشگاه تهران.
۸. عبداللهی، مجید، صرافی، مظفر. توکلی نیا، جمی (۱۳۸۹)، بررسی نظری مفهوم محله و باز تعریف آن با تاکید بر شرایط محله های شهری ایران، پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۷۲.
۹. فلامکی، محمد منصور و زرگرانی، زهره، ۱۳۹۴، سازماندهی و طراحی معماری - شهری مرکز محله (نمونه موردی محله شارق منطقه ۷ تهران)، کنفرانس بین المللی یافته های نوین پژوهشی در علوم، مهندسی و فناوری با محوریت پژوهش های نیاز محور، اسفند ۱۱، مشهد.
۱۰. نقی زاده، محمد (۱۳۸۹)، تاملی در چیستی شهر اسلامی، نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، پاییز، دوره ۱، شماره ۱.
۱۱. موسوی، میر سعید، رضی منش سرخاب، بابک (۱۳۹۱)، بازشناسی مفهوم شهر و شهر نشینی از منابع و تعالیم دینی، مجموعه مقالات همایش ملی معماری و شهر سازی ایرانی-اسلامی، بهمن ۱۹-۲۰، مشهد، موسسه آموزش عالی خاوران.
۱۲. نقره کار، عبدالحمید (۱۳۹۰)، تهران، ناشر: دانشگاه پیام نور.
۱۳. لینچ، کوین (۱۳۹۵)، سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، تهران، ناشر: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. حبیبی، سید محسین (۱۳۹۷)، از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن: تفکر و تاجر، تهران، ناشر دانشگاه تهران.
۱۵. پیرنیا، م ک. (۱۳۸۷)، آشنایی با معماری اسلامی ایران، انتشارات سروش دانش، چاپ سیزدهم.
16. Williams, Michael, 1985, Neighborhood Organizations: Seeds of a New Urban Life, We Sport, Greenwood Press.
17. Kearns A., Parkinson M., 2001, The Significance of Neighborhood, Urban Studies, V. 38, pp2103-2110.